

مورخ ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ در منزل
لیدی بلامفیلد لندن: درباره اهمیت
تریت روحانی در کار تریت جسمانی
و لزوم تطابق قول و علم

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



ORIGINAL



AUDIO

مورخ ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲ در منزل لیدی بلامفیلد لندن:

درباره اهمیت تربیت روحانی در کنار تربیت جسمانی و لزوم تطابق قول و علم^۱

(خطابات جلد سوم، ص ۱۰۷۰-۱۰۸)

هو الله

هر انسانی باید اول در فکر تربیت خویش باشد، در فکر این باشد که خودش کامل گردد، زیرا اول تربیت نفس خویش لازم است. ملاحظه کنید که جمیع کائنات محتاج تربیت است. ملاحظه می کنی هر نباتی که در نهایت ضعف است، چون تربیت شود، نهایت قوت یابد. گلهای بسیار کوچک را تربیت می کنی، بسیار بزرگ می شود. درخت بی ثمر را تربیت می کنی، با ثمر می شود زمین پر خار و خس را تربیت می کنی گلستان می شود. حیوان را تربیت می کنی، ترقی می کند. حیوانات وحشی را تربیت می کنی، رام و اهلی می گردند. پس واضح شد که تربیت در جمیع اشیا اثر دارد، ولی در عالم انسانی اعظم است. انسان بی تربیت حیوان است، بلکه از حیوان بد تر است. مثلاً اگر اطفالی در بیابان بماند، ابداً تربیت نمی شوند، یقین است جاهل می مانند، یقین است از عالم مدنیت بی خبر می شوند؛ نه صنعتی، نه تجارتی، نه فلاحی، مانند اهالی اواسط افریقا که در نهایت وحشیّتند. عالم اروپا را چه چیز از عالم افریقا ممتاز کرده یقین است تربیت، زیرا اهالی اروپا تربیت می شوند، اهالی افریقا تربیت نمی شوند. و این واضح و مشهود است که انسان محتاج تربیت است.

تربیت بر دو قسم است: تربیت روحانی و تربیت جسمانی تربیت طبیعی و تربیت الهی. انبیای الهی مربی روحانی هستند معلّم الهی هستند، نفوس را به تربیت الهی تربیت می کنند، قلب و اخلاق انسان را تربیت می کنند. و همچنین ترقیات جسمانی در ضمن ترقیات روحانی حاصل می گردد. چون روح

^۱ نطق مبارک در منزل لیدی بلامفیلد لندن ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲

انسان، قلب انسان، اخلاق انسان تربیت شود، یقین است تربیت جسمانی هم حاصل گردد. پس امیدوارم که شما بکوشید اول نفس خود را تربیت کنید، اخلاق خود را تربیت نمائید، گفتار خود را منظم کنید تا از نقائص مبرا گردید و به فضائل عالم انسانی مزین شوید، آن وقت به تربیت ناس پردازید. زیرا عالم انسانی تاریک است؛ ملاحظه می کنید که همیشه حرب و قتال است، همیشه نزاع و جدال است. از خدا بطلبید بلکه شما مؤید شوید، موفق گردید که خدمتی به عالم انسانی نمائید، سبب روشنائی این عالم شوید.

و نیز قوه تعلیم و تربیت بر دو قسم است: یکی به واسطه اقوال انسان نفوس را تربیت می کند، دیگر بواسطه اعمال. انسان ممکن است به اقوال مردم را تربیت کند، لکن اعظم از آن تربیت به اعمال است، زیرا اعمال تأثیرش بیشتر است. مثلاً انسان ذکر وفا کند و مردم را به زبان دعوت به محبت و وفا نماید، تا خود او به محبت و وفا قیام کند؛ البته این عمل بیشتر تأثیر دارد. یا آنکه ناس را به کرم دعوت نماید، تا خود او کرم نماید؛ البته این تأثیرش بیشتر است. و اگر ناس را به مهربانی دعوت کند، تا خود او مهربان باشد؛ البته این تأثیر بیشتر دارد. انسان دیگران را بهر چه که می خواند، اگر خود عامل باشد، البته تأثیر دارد اما اگر ناس را به حسن اخلاق دعوت کند و خود سوء اخلاق داشته باشد، ابداً تأثیر ندارد. اگر ناس را به عدل دعوت کند و خود عادل نباشد، چه فائده دارد؟ اگر ناس را به وحدت عالم انسانی دعوت کند و خود عامل نباشد، چه ثمر خواهد داشت؟ پس انسان باید سایرین را به اعمال خود تربیت کند، زیرا انسان تا جوهر تقدیس نگردد و ایمان تام نداشته باشد و در مقام فدا نباشد و احساساتش احساسات الهی نباشد و روحش منجذب به روح القدس نگردد و نورانیت فکر نداشته باشد و قلب مقدّس نداشته باشد، و اعمال خیریه نداشته باشد، شبهه ای نیست که ابداً کلامش تأثیر ندارد، ابداً افکارش ثمر ندارد. آنچه بگوید و بنگارد، همه بیهوده است. پس باید از خدا مسئلت کرد که ما را موفق به اعمال خیریه کند، ما را موفق به افکار عالیه نماید، ما را موفق به اخلاق روحانی کند. آن وقت می توانیم خدمت به عالم انسانی نمائیم، آن وقت می توانیم سبب نورانیت عالم انسانی گردیم، آن وقت می توانیم خدمت به وحدت عالم انسانی کنیم، آن وقت می توانیم به نشر صلح عمومی پردازیم. امیدوارم شما موفق به این اعمال خیریه باشید.

